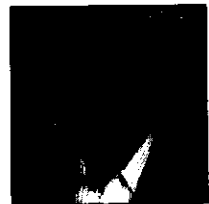


تنوع قومی در بین کردها: نگاهی کلی از دیدگاه انسان‌شناسی



مقاله

سکندر امان‌اللهی

پروفسور سکندر امان‌اللهی بهاروند در سال ۱۳۱۶ در خرم‌آباد لرستان متولد شد. در سال ۱۳۴۷ مدرک کارشناسی جامعه‌شناسی را از دانشگاه مورگان (بالتیمور آمریکا) گرفت. در سال ۱۳۵۰ کارشناسی ارشد انسان‌شناسی از دانشگاه مرینند (کالج پارک آمریکا) و در سال ۱۳۵۳ دکترای انسان‌شناسی خود را از دانشگاه رایس (هوستون آمریکا) دریافت کرد. ایشان مدتی را به‌عنوان استناد میهمان در دانشگاه‌های مختلف از جمله هاروارد (آمریکا) و آرموس (دانمارک)، برگن (نروژ)، حیثیونگا (ژاپن) و... به تدریس گذرانده است. دکتر امان‌اللهی دارای تألیفات و مقاله‌های زیادی به زبان فارسی و انگلیسی است. تألیفات فارسی ایشان از جمله، «منابع و مآخذ درباره ایلات و عشایر ایران و جهان» (۱۳۵۳)، «کوچ‌نشینی در ایران، پژوهشی درباره ایلات و عشایر» (۱۳۶۰)، «نظام اجتماعی-سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن ایلات و عشایر» (۱۳۶۲)، «تقد ظلمات حسینقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی ایلات و عشایر» (۱۳۶۳)، «قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکنندگی جغرافیایی لرها» (۱۳۷۰)، «جغرافیای لرستان» (۱۳۷۰) و «مسائل و مشکلات کوچ‌نشینان از دیدگاه‌های انسان‌شناسی» (۱۳۷۱). دهها کتاب و مقاله نیز به زبان انگلیسی از ایشان در آمریکا (دانشگاه هاروارد و دیگر مراکز دانشگاهی و علمی) و اروپا به چاپ رسیده است. کتاب «خنیگری و موسیقی در ایران از هخامنشیان تا سقوط پهلوی» نیز به‌زودی توسط انتشارات آرون منتشر می‌شود. وی در حال حاضر در دانشگاه هاروارد مشغول تدریس و تحقیق است. لازم به یادآوری است ایشان استناد رسمی دانشگاه شیراز بودند که اکنون بازنشسته شدند.

پیشگفتار

بعضی نادرست و در مواردی اغراق آمیز هستند. چنان که به تازگی در کتابی با عنوان «کردان در پارس و کرمان» به قلم دکتر صداقت کیش ادعا شده است که تمام ایلات و قبایل ایرانی در استان فارس از زمان هخامنشیان و دوره اسلامی کرد بوده‌اند و یا این که لرها به‌عنوان شاخه‌ای از کردها به شمار آمده، که در نتیجه استان‌های لر نشین چون لرستان، ایلام (سابقاً پشتکوه لرستان)، بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد و قسمت‌هایی از استان‌های فارس و بوشهر جزو اراضی کردنشین قرار گرفته‌اند.

اما هدف این مقاله بررسی هویت و تنوع قومی در بین کردها از دیدگاه انسان‌شناسی (مردم‌شناسی) است. از آنجایی که هویت، از چنین دیدگاهی به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، لازم است به روال همیشگی ابتدا مفهوم قوم و فرهنگ را مشخص کنیم.

مفهوم قوم

واژه قوم به مردمی گفته می‌شود که دارای وجوه مشترک تاریخی (زبان، دین، آداب و رسوم، هنر، موسیقی و...) و در

کرده‌ها عنوان یک قوم ایرانی در طول چند هزار سال گذشته در مناطقی که هم‌اکنون زندگی می‌کنند^(۱) به سر برده‌اند و از این رهگذر دچار فرازونشیب‌های فراوانی شده‌اند. زمانی با همکاری دیگر قبایل مادی، کشور بزرگ ماد را بنیان نهادند و در طول حکومت هخامنشیان از منزلت خاصی برخوردار بودند. زمانی صلاح‌الدین ایوبی از کردان پرچمدار اسلام و قهرمان جنگ‌های صلیبی بود. اما در مقابل، زمانی هم اعراب و ترکان به سرزمین آنها یورش بردند و در شرایط نامساعد قرار گرفتند، به طوری که در سال‌های نه‌چندان دور شاهد حمله شیمیایی نیروهای صدام به حلبچه بوده‌ایم که در این میان هزاران نفر بی‌گناه جان باختند.

کردها که گفته می‌شود جمعیت آنها حدود ۳۰ میلیون نفر است در کشورهایی چون ایران، عراق، ترکیه، سوریه، لبنان، ارمنستان، آذربایجان و حتی در افغانستان و تعدادی هم در اروپا پراکنده‌اند، اما بیشتر آنها در ترکیه زندگی می‌کنند. تاکنون مطالب زیادی درباره کردها نوشته شده است که

مواردی بعضی از ویژگی های ظاهری جسمی هستند؛ نسبت به یکدیگر احساس تعلق و همبستگی می کنند و خود را از دیگر گروه ها جدا می دانند. اصولاً قومیت پدیده ای فرهنگی است و از این رو قابل تغییر و تحول است.

تعریف فرهنگ

منظور از فرهنگ همانا بُعد فوق جسمی (ابرتنی) انسان است که راه و روش زندگی و تمام دستاوردهای مادی و غیر مادی انسان را در بر می گیرد و از طریق آموختن منتقل می شود. بر این اساس، فرهنگ از دیدگاه علم انسان شناسی، قلمرو گسترده ای دارد که تمام ابعاد زندگی و دستاوردهای انسان را شامل می شود. برای نمونه، زبان، دین، ساختار اجتماعی، نظام سیاسی، تعلیم و تربیت، آداب و رسوم، نوع لباس و غذا، معماری، پزشکی، ابزارها و وسایل گوناگون، طرز آرایش، خط و ادبیات و هزاران مقوله دیگر از اجزای فرهنگ به شمار می آیند.

با این توضیح مختصر متوجه این واقعیت می شویم که عناصر فرهنگی بویژه زبان و دین از مهمترین عوامل در شکل گیری قومیت و هویت قومی و نیز تداوم یا تغییر آن به شمار می آیند. از این رو، در این مقاله بررسی تنوع قومی در بین کردها در چارچوب فرهنگ و بویژه دو عامل اساسی یعنی زبان و دین و چند عامل دیگر صورت می گیرد.

عوامل مؤثر در شکل گیری هویت و تنوع قومی در

بین کردها

به تازگی آقای احسان هوشمند، جامعه شناس و محقق برجسته کرد در مقاله جالبی با عنوان «کرد یا کردها؛ مدخلی جامعه شناختی بر کردشناسی»^(۳) آشکارا از چگونگی تنوع قومی در بین کردها سخن به میان آورده است. هر چند ممکن است چنین گفتاری به مذاق بعضی از قوم گرایان کرد سازگار نباشد، اما تنوع قومی در بین کردها یک واقعیت آشکار است. در اینجا برای روشن شدن مطلب به عواملی که باعث شکل گیری هویت و تنوع قومی در بین کردها شده اند اشاره می کنیم.

اوازه کرد

این واژه که اکنون به صورت عام به گروه های مختلفی که «کرده» نامیده می شوند اطلاق می شود، از ارکان هویت و مایه پیوند بین این گروه ها شده است. در اینجا نیاز به ریشه یابی این واژه نیست، زیرا تاکنون مینورسکی و دیگران [مینورسکی، محقق و کردشناس روسی است که پژوهش های متعددی در ارتباط با کردها، اورامی ها و لرهای ایران منتشر کرده است که کتاب وی در خصوص کردها ترجمه شده است]. به این امر پرداخته اند. اما آنچه مسلم است نویسندگان قرون اولیه اسلامی، این

واژه را از جهتی برای ایلات کوچ نشین و یا به عبارتی به عشایر غیر ترک و غیر عرب، یعنی کوچ نشینان ایرانی صرف نظر از تفاوت های قومی بین آنها به کار برده اند.^(۳) متأسفانه چنین وضعی باعث اشتباهات فراوانی شده است، به طوری که بعضی از نویسندگان دانسته یا ندانسته بسیاری از ایلات ایرانی غیر کرد را به عنوان شاخه هایی از قوم کرد قلمداد کرده اند و در نتیجه هویت آنها را نادیده گرفته اند. در اینجا می توان به افرادی چون شرف خان بدلیسی، محمد امین زکی بیک، شیخ محمد مردوخ، مهرداد ایزدی، جمشید صداقت کیش^(۴) و... اشاره کرد که برای نمونه لرهای لرستان، بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، ممسنی و... را کرد دانسته اند.

امابه تازگی کتابی با عنوان «کردان پارس و کرمان» (۱۳۸۱) به قلم دکتر جمشید صداقت کیش به وسیله انتشارات صلاح الدین ایوبی در ارومیه منتشر شده که با تعجب فراوان، بسیاری از ایلات غیر کرد در استان فارس را کرد معرفی کرده است. با آن که خانم لمبتون، ایران شناس معروف و شادروان سعید نفیسی^(۵) از سال ها پیش و نگارنده در کتاب «قوم لر» به واژه کرد به عنوان شیوه ای از معیشت مبتنی بر گله داری و چادر نشینی اشاره کرده ایم و با آن که دکتر صداقت کیش بخشی از گفته های شادروان سعید نفیسی را در این باره نقل کرده است، با این حال او بسایب اعتنایی به این گفته ها که ریشه تاریخی دارند. واژه کرد را تنها محدود به قوم کرد دانسته و از این رهگذر ایلات زمان هخامنشیان و ساسانیان و دوره های بعدی را کرد به شمار آورده است. اشتباه اساسی دکتر صداقت کیش همانا عدم توجه به دو مفهوم از واژه کرد است که یکی به معنی عشایر و کوچ نشینان گله دار ایرانی و دیگری به معنی یک گروه قومی یعنی کردها بوده است. هر چند گفته های دکتر صداقت کیش نیاز به بررسی مفصل دارد که از حوصله این مقاله خارج است، با این حال در اینجا لازم است به اختصار ادعای او را مبنی بر این که همه ایلات استان فارس در دوره پیش از اسلام و نیز در قرون سوم و چهارم هجری قمری از نژاد کرد بوده اند بررسی کنیم.

دکتر صداقت کیش در فصل اول کتاب با عنوان «کردان فارس پیش از اسلام» می نویسد: «ما اطلاعات دقیقی از کردان پارس در دوره هخامنشی در دست نداریم. سعید نفیسی می نویسد: از زمان هخامنشیان در میان طایفه های چادر نشین فارس، ما به نام کرد بر می خوریم.» (ص ۱۰) مایه بسی تعجب است که نویسنده فقط سطر اول از پاراگراف شادروان نفیسی را نقل کرده و بقیه آن را که در آن آمده است: «کرد اصلاً در زبان های ایرانی به معنی بیابانگرد [است]» نقل نکرده و آن را به فصل هفتم (صص ۸۳-۸۴)

کردها که گفته می شود جمعیت آنها حدود ۳۰ میلیون نفر است در کشورهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه، لبنان، ارمنستان، آذربایجان و حتی در افغانستان و تعدادی هم در اروپا پراکنده اند، اما بیشتر آنها در ترکیه زندگی می کنند

عناصر فرهنگی بویژه زبان و دین از مهمترین عوامل در شکل گیری قومیت و هویت قومی و نیز تداوم یا تغییر آن به شمار می آیند

وجود گویش های مختلف در بین کردها، مایه تنوع قومی در بین آنها شده است. مردمی که اکنون کرد نامیده می شوند و در کشورهای ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان زندگی می کنند به گویش های مختلفی گفت و گو می کنند که بسیاری از آنها زبان همدیگر را نمی فهمند

منتقل کرده است. چنان که دنباله پاراگراف در فصل هفتم چنین است:

«باز دلایل دیگر هست که کرد اصلاً در زبان‌های ایرانی به معنای بیابانگرد و کاملاً مترادف همان کلمه Namade فرانسه است که از ریشه Nomas یونانی به معنی چراننده است و شگفت‌تر این که در زبان فارسی هم کرد را به معنی «گله‌چران» به کار برده‌اند و طبیعی هم هست، زیرا چادر نشینان همیشه گله دار بوده‌اند. معنی کرد با گله‌چرانی به اندازه‌ای ملازم یکدیگر است که در دوره ساسانی و تا مدتی از دوره اسلامی طوایف مختلف کردها را «رَم» می‌گفتند و این همان کلمه‌ای است که در زبان امروز ما «رَمه» شده است و این کلمه به زبان عرب هم رفته، منتها اغلب آن را «زَم» و جمع آن را می‌بایست رموم باشد که «زموم» نوشته‌اند.

در بسیاری از متون فارسی همیشه که خواسته‌اند طایفه‌های چادر نشین ایران را برشمارند، ایشان را کرد نامیده‌اند و در این اواخر کرد، اصطلاحی خاص شده است برای چادر نشینان ایرانی نژاد که نژاد و زبانشان ترک و تازی سخن نمی‌رانند و از نژاد ترک و عرب نبوده و چادر نشین بوده و در هر جا که بوده است کرد گفته‌اند. چنان که مثلاً بختیاری‌ها و لر‌ها و همه چادر نشینان فارس، کرمان، خراسان و نواحی مرکزی و غربی و شمالی ایران را در هر کجا بوده‌اند کرد دانسته‌اند.» (ص ۸۴-۸۳)

با این حال، دکتر صداقت کیش برای ثابت کردن نظریه‌اش در همان صفحه می‌نویسد:

«همان‌طور که ملاحظه کردید در قسمت اول این کتاب در بخشی از کارنامه اردشیر بابکان چنین آمده است: "... و ساسان شپان پاپک بود و همواره با گوسپندان بود و از تخمه دارای داریان و اندر دوش - خدایی اسکندر بگریزد و نهان - روشی و با کرد شبانان به سر می‌برد." " سپس ادامه می‌دهد:

«خوب اگر کرد را به معنی شپان بپذیریم چرا در این متن «کرد شبانان» را به کار برده است؟ بنابراین منظور از این عبارت «کرد شبانان» یعنی شبانانی که از نژاد کرد بوده‌اند و مسلم است که واژه «کرد» در متن‌های سده سوم هجری به بعد چیزی غیر از منظور نژاد کرد نیست.»

چنان که می‌بینیم دکتر صداقت کیش در وهله اول با استناد به متن کارنامه اردشیر بابکان به نادرست نتیجه گرفته است که منظور از کرد شبانان یعنی شبانانی که از نژاد کرد بوده‌اند. اما در متن کارنامه اردشیر بابکان (ترجمه قاسم هاشمی نژاد) چنین آمده است:

«بابک را فرزند نامبردار هیچ نبود. ساسان شپان بابک بود، از نژاد و ناف دارای شهریار و همواره بارمه گوسفندان می‌بود و وقت بیداد شاهی اسکندر گریزان و پوشیده می‌رفت

و روزگاری گذراند با شبانان کرد.» (ص ۳۱)^(۶)

در این متن کاملاً آشکار است که شبانان به معنی چوپان است و واژه کرد هم در آن روزگار مترادف قبایل ایرانی بیابانگرد بوده است. بنابراین منظور آن است که ساسان روزگار را با چوپانان عشایر و یا چوپانان کوچ نشینان گله دار سپری می‌کرده است و یا این که ساسان، روزگار را با عشایر یا کوچ نشینان گله چران می‌گذرانده است، در نتیجه در اینجا حرفی از نژاد کرد در میان نیست.

دکتر صداقت کیش سپس دو مبن استدلال خود را مبنی بر مترادف بودن واژه کرد با نژاد کرد چنین مطرح می‌کند: «دلیل دیگر ایل عرب از صدر اسلام در فارس می‌باشد و از سده سوم هجری قمری در لابه لای متون تاریخی و جغرافیایی، ایلات دیگر نظیر شول‌ها، لر‌ها، ترکمانان و ترک‌ها را در فارس می‌بینیم که همراه کردها آمده‌اند، پس چرا در این متن‌ها نوشته‌اند: کردان عرب، کردان شول، کردان لر، کردان ترکمن و کردان ترک؟ در نتیجه مسلم است که واژه کرد در عبارت «زموم الاکراد، پارس یا رموم الاکراد پارس غیر از بحث نژاد کرد چیز دیگری نیست.» (ص ۸۴)

گفتار یاد شده تعجب بیشتری را بر می‌انگیزد، زیرا همان‌گونه که مرحوم سعید نفیسی و نیز خانم لیمتون در مقاله مفصلی با عنوان ایلات (Ilat) در دایره المعارف اسلام نوشته‌اند، یاد آور شده است که جغرافیدانان و مورخان قرون اولیه اسلامی تمام ایلات ایرانی بیابانگرد (کوچ نشینان گله دار) را کرد می‌نامیدند. بر این اساس، واژه کرد یا اکراد به قبایل بیابانگرد غیر ایرانی یعنی اعراب، ترکمن‌ها و ترک‌ها اطلاق نمی‌شده است که آنها را اکراد عرب یا اکراد ترک بنامند. اما از اسامی ایلات ایرانی کوچ نشین که با عنوان کرد یا اکراد مشخص شده‌اند نام برده شده است. چنان که مسعودی در کتاب «التبیه و الاشراف» از لر‌ها نام برده و نیز مقدسی در کتاب «احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم» (جلد دوم، ص ۶۶۴) با عنوان کردها یعنی قبایل ایرانی کوچ نشین گله دار از سی و سه ایل در استان فارس نام برده است.^(۷)

از این گفتار می‌توان نتیجه گرفت که واژه کرد از یک سو عنوانی است که تنها به ایلات ایرانی کوچ نشین صرف نظر از وابستگی قومی آنها اطلاق شده و از دیگر سو، منظور یکی از اقوام ایرانی یعنی کردها می‌باشد. اشتباه اساسی دکتر صداقت کیش و افرادی که پیش از او مرتکب چنین اشتباهی شده‌اند آن است که واژه کرد را تنها به معنی «قوم کرد» یا به قول دکتر صداقت کیش «نژاد کرد» تفسیر کرده‌اند.^(۸) حال اگر ادعای دکتر صداقت کیش درست باشد که بر اساس آن تمام ایلات بیابانگرد ایرانی (غیر ترک و غیر عرب) در سراسر ایران از جمله پارس، کرمان، بلوچستان و... از قوم

هنوز تقسیم‌بندی کاملی از زبان‌ها و گویش‌های کردی صورت نگرفته است. اما با این حال، وجود زبان‌ها و گویش‌های گوناگون در بین کردان گویای تنوع قومی در بین آنهاست

دین از یک سو باعث انسجام و همبستگی بین پیروان آن می‌شود و از دیگر سو، موجب مرزبندی بین پیروان ادیان مختلف می‌گردد. دین نه تنها از عوامل مهم در تعیین هویت قومی، بلکه به همان اندازه از عوامل تداوم هویت قومی است

کردستان همیشه قابل کشف

باورها و اعتقادات دینی باعث شکل گیری گروه‌های مختلف با هویت‌های متفاوت در بین کردها شده و به تنوع قومی در بین آنها انجامیده است

وضعیت کردها در بین جوامع غیر ایرانی چون عراق، ترکیه، سوریه، لبنان و... در طول بیش از یک قرن باعث شکل گیری جنبش‌های مختلف رهایی‌بخش در بین آنها شده و در نتیجه قوم‌گرایی و قوم‌مداری در بین آنها شدت یافته است، از این رو، این تحولات در تقویت هویت کردی و کردباوری تأثیر بخشیده است. منظور از کردباوری آن است که کردها با وجود تفاوت‌های زبانی، دینی، فرهنگی و... خود را کرد می‌دانند

آن از مهمترین عوامل در تعیین هویت قومی کردهاست. اما در عین حال، وجود گویش‌های مختلف در بین کردها، مایه تنوع قومی در بین آنها شده است. مردمی که اکنون کرد نامیده می‌شوند در کشورهای چون ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان زندگی می‌کنند به گویش‌های مختلفی گفت‌وگو می‌کنند که بسیاری از آنها زبان همدیگر را نمی‌فهمند. چندی پیش از یکی از دانشجویان کرد از نواحی سردهشت که به اتفاق همسرش مهمان نگارنده بود، خواستم ترانه‌ای از زبان کردهای ترکیه را برایم ترجمه کنند. اما هر دوی آنها صادقانه اظهار داشتند که زبان کردهای ترکیه را نمی‌فهمند! دانشمندان زبان‌شناس حتی به این نتیجه رسیده‌اند که بعضی از این زبان‌ها مانند «زازا» اصلاً جزو گویش‌های کردی نیستند، هر چند گویشوران آن، خود را کرد می‌دانند. جویس بلو، زبان‌شناس فرانسوی درباره زبان‌های گورانی و زازامی نویسد: «به‌طور کلی زبان‌های گورانی و زازادر گروه شمال غربی زبان‌های ایرانی قرار داده می‌شوند. با وجود همجواری گورانی و زازا با زبان کردی و با وجود احساس عمیق سخنگویان آنها در تعلق داشتن به ملیت کردی، نمی‌توان این دو زبان را به زبان کردی منسوب دانست، چرا که تحولات خاص زبان کردی را متحمل نشده‌اند.» (راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد ۲، ص ۵۵۵)^(۱) به‌طور کلی زبان کردی و گویش‌های متعدد آن جزو خانواده زبانی ایرانی و در شعبه شمال غرب قرار می‌گیرند. با آن‌که مطالب فراوانی درباره تقسیمات زبان کردی و گویش‌های آن نوشته شده است، با این حال تقسیم‌بندی کاملی تهیه نشده و یا اگر چنین چیزی وجود دارد نگارنده از آن بی‌خبر مانده است. از آن گذشته، در تقسیم‌بندی‌های موجود تناقضات وجود دارد، چنان‌که شرف‌خان بدلیسی در زمان صفویه کردها را به چهار گروه کرمانج، لر، کلهر و گوران تقسیم‌بندی کرده است. (شرفنامه، ص ۲۳) شیخ محمد مردوخ کردستانی نیز بر همین اساس تقسیم‌بندی کرده و می‌نویسد: «به هر حال کردهای امروزه از حیث زبان چهار شعبه‌اند: ۱- کرمانج ۲- گوران ۳- لر ۴- کلهر» (تاریخ مردوخ، ص ۵۴) این تقسیم‌بندی بدون پایه و اساس است و مطالعات انجام شده آن را مردود می‌داند. چنان‌که می‌دانیم زبان لری زبان مستقلی است که جزو گروه زبان‌های جنوب غربی به شمار می‌آید. با این حال شادروان شیخ مردوخ تمام قبایل لر را جزو کردها قلمداد کرده است. تاریخ مردوخ از جهات فراوانی غیر مستند است و نیاز به تصحیح کامل دارد. مرحوم رشید یاسمی درباره تقسیم‌بندی گویش‌های کردی مطلب تازه‌ای ارائه نکرده است و تنها نوشته که: «از نظر زبان، کردان را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند: گوران، کرمانج، لر، کلهر»

کرد بوده‌اند، پس چگونه است که از ایلات و قبایل وابسته به دیگر اقوام ایرانی خبری نیست؟ از آن گذشته اگر همه این قبایل در سراسر ایران و از جمله استان پارس، کرد بوده‌اند پس چگونه است که همه این ایلات زبان کردی را فراموش کرده‌اند؟

نکته دیگر آن که جغرافیدانان و مورخان قرون سوم و چهارم هجری قمری از «موم الاکراد» یا «موم الاکرد» یاد کرده‌اند که منظور آنها منطقه یا قلمرو یکی از قبایل کوچ‌نشین ایرانی بوده که زیر نظر سران آن اداره می‌شده است. در چنین قلمرویی، شهر و روستا هم وجود داشته است. برای نمونه می‌توان منطقه بختیاری را که تا پیش از تحولات اخیر زیر نظر خوانین ایل بختیاری اداره می‌شد، معادل رم الاکراد آن زمان دانست. تردیدی نیست که کتاب «کردان در پارس و کرمان» نیاز به بررسی مفصلی دارد، اما پیش از این که این مبحث را رها کنیم لازم است چند نکته در ارتباط با گروه‌هایی که در فارس زندگی می‌کنند و دکتر صداقت کیش آنها را کرد قلمداد کرده است یادآوری کنم که:

۱- لک‌ها، لشنی‌ها، کرونی در زمان کریم‌خان زند از لرستان به فارس آورده شده‌اند. همگی از لرهای لک لرستان هستند. لشنی‌ها به سه گروه تقسیم شده‌اند که گروه اصلی در نزدیکی درود لرستان، گروهی به اسلام‌آباد کرمانشاه مهاجرت کرده‌اند و گروهی از فارس به رودهن رفته و به زبان ترکی حرف می‌زنند.

۲- طایفه اصلی کرونی در لرستان و در منطقه کوه‌دشت زندگی می‌کنند.

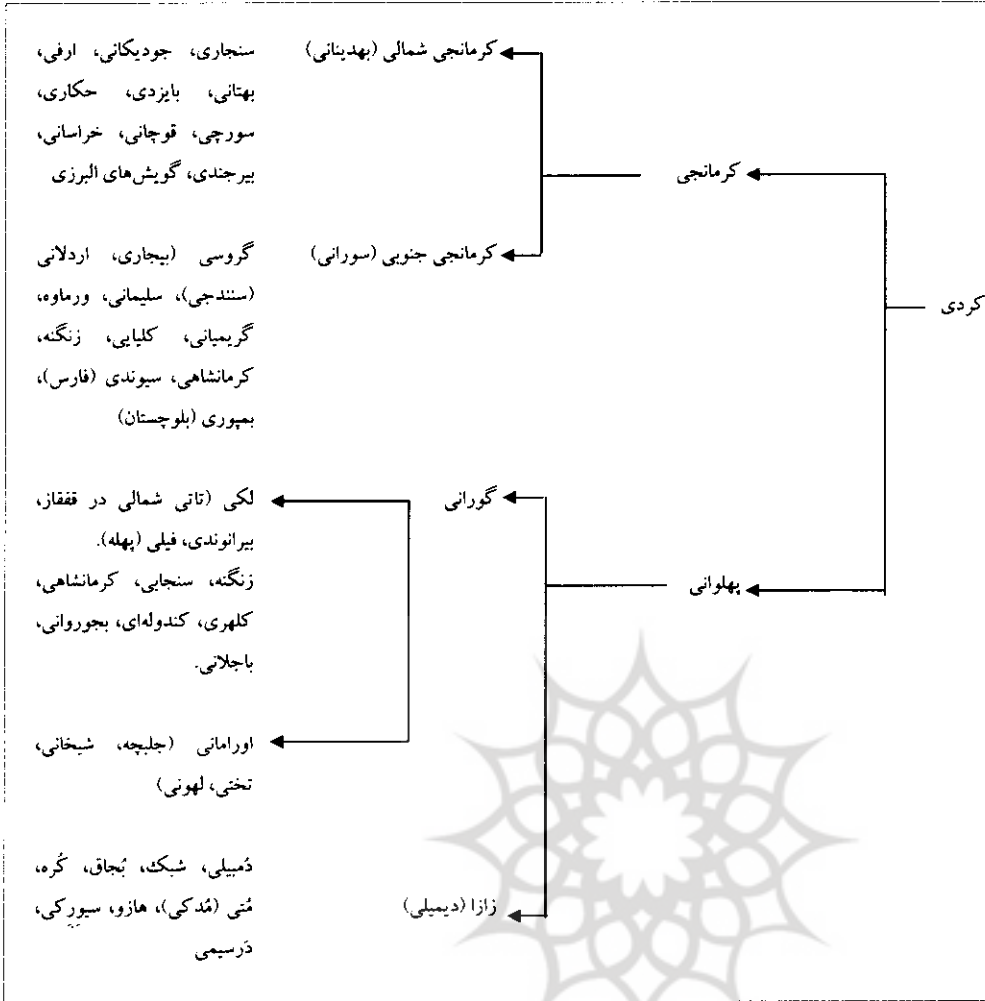
۳- طوایف مافی، باجلان و چگنی از لرهای لرستان هستند که در زمان کریم‌خان زند به فارس آورده شده‌اند و اکنون گروه اصلی چگنی هنوز در لرستان به سر می‌برند. کرد شولی‌ها هم همان طوری که در کتاب قوم‌لر شرح داده‌ام اصلاً لر هستند.^(۲)

۴- غازبوند‌ها یا قاضیون‌ها که در تلمخ‌دش زندگی می‌کنند کرد و از یارسان هستند که در زمان کریم‌خان زند به این دیار آورده شده‌اند.

۵- کریم‌خان زند اصلاً لر بوده و همان‌طور که دکتر صداقت کیش اشاره کرده است (ص ۱۲۰، باورقی شماره ۲) در منابع دست‌اول از کرد بودن او مطلبی دیده نمی‌شود.

۲- زبان

زبان یکی از مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری قومیت و هویت قومی است که تغییر آن می‌تواند موجب تزلزل هویت قومی شود. آنچه مسلم است کردی و گویش‌های



بیرانوندی و فیلی نادرست است، زیرا: اولاً فیلی زبان لری است، اما لکی در لکستان و در لرستان بین ایلات بیرانوند، سلسله، دلفان و در بعضی از مناطق کوه‌دشت رایج است و تفاوت‌هایی بین هر یک از گویش قبایل یادشده وجود دارد.

نامیق صفی‌زاده (بورکه‌ای) تقسیمات متفاوتی از زبان کردی ارائه کرده است که براساس آن گویش‌های این زبان به پنج گروه به شرح زیر تقسیم شده‌اند: (آموزش زبان کردی، ص ۱۰-۱۱) ^(۱۲) نمودار (۲)

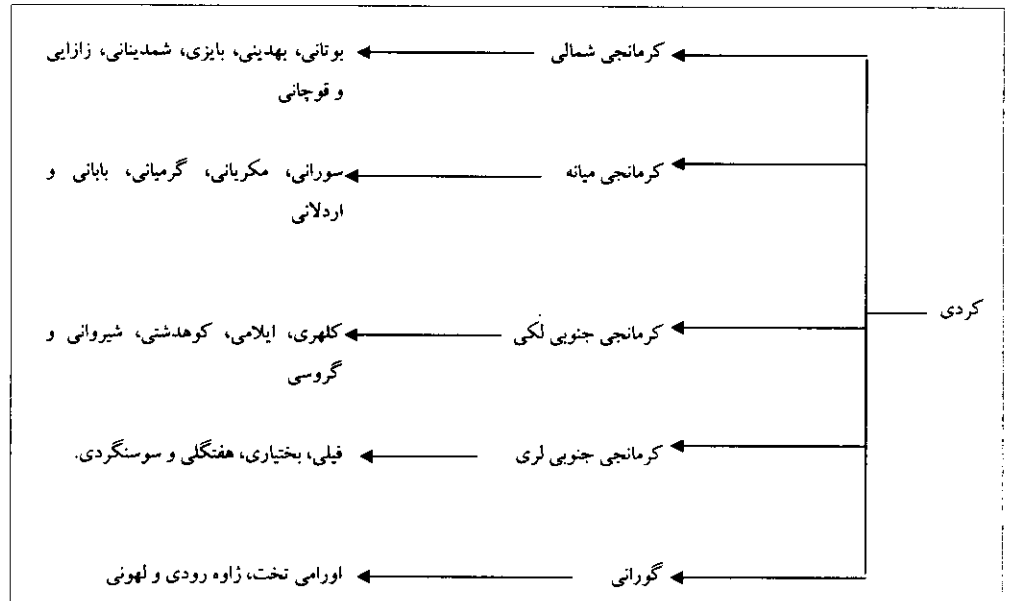
چنان که پیداست این تقسیم‌بندی نه تنها ناقص است، بلکه معلوم نیست چرا گروه زبان‌های لری را زیرشاخه‌ای از کردی دانسته است. از آن گذشته، تاجایی که می‌دانیم گویشی به نام سوسنگردی گزارش نشده است. شادروان دکتر حشمت‌الله طیبی تقسیم‌بندی متفاوتی از گویش‌های زبان پیشنهاد کرده است که براساس آن زبان کردی به چهار شاخه تقسیم می‌شود از جمله:

۱- شاخه کرمانج شمالی ۲- شاخه کرمانج جنوب ۳- شاخه

و تفاوت این زبان‌ها آشکار است و خارج از گنجایش این مختصر خواهد بود. (کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، ص ۱۳۹) ^(۱۱) «در ک کینان» نگاهی گذرا به زبان کردی دارد و یاد آور شده است که «در این زبان به دو لهجه عمده سخن می‌گویند: کرمانجی و کردی و همین دو لهجه به‌طور کلی شمال و جنوب کردستان را از یکدیگر جدا می‌سازند. لهجه سومی هم هست که کردها آن را ماچو-ماچو می‌خوانند: در ترکی زازا و در فارسی گوران خوانده می‌شود. گروهی از زبان‌شناسان معتقدند که این زبان کردی نیست، اما مردمی که بدان سخن می‌گویند خود را کرد می‌دانند.» (کرد و کردستان، ص ۳۴) ^(۱۲)

از سویی مهرداد ایزدی در کتاب «کردها»، ص ۱۶۹، زبان کردی را به دو گروه پهلوانی و گورانی تقسیم کرده است که در نگاره صفحه بعد گویش‌های هر گروه مشخص شده‌اند. ^(۱۳) تاکنون در تقسیم‌بندی زبان کردی، از واژه پهلوانی به‌عنوان شاخه مهمی از زبان کردی مطلبی ندیده‌ام. بدون تردید این تقسیم‌بندی نیز ناقص است. مثلاً تقسیم گویش لکی به

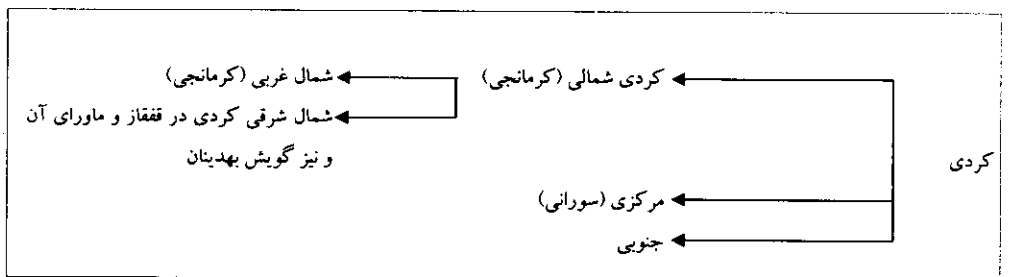
کردها به علت پراکندگی در چند کشور به صورت اقلیت قومی درآمده‌اند که در نتیجه در موارد زیادی نتوانسته‌اند از حقوق شهروندی همانند دیگر اعضای جامعه بهره‌مند شوند، برای نمونه در ترکیه حتی هویت قومی کردها نادیده گرفته می‌شود، به‌طوری که آنها را «ترک‌های کوهی» می‌نامند



کردی کرمانشاهی ۴-شاخه اورامانی و گورانی^(۱۵) هر یک از شاخه‌های یادشده به تعدادی زیر شاخه تقسیم می‌شوند که در اینجا برای نمونه زیر شاخه‌های اورامانی و گورانی را برمی‌شمیریم: ۱- گویش زازاد در ناحیه درسم و حوالی ارزنجان واقع در کردستان ترکیه بدان تکلم می‌شود. ۲- گویش اورامان تحت ۳- گویش اورامان لهورن ۴- گویش زاوه رود ۵- گویش پاوه و قسمتی از جوانرود ۶- گویش گورانی قدیم که زبان کتابت، کتب مذهبی اهل حق است. ۷- گویش ماچو-ماچو که گویش سادات اهل حق است و ویژگی مذهبی دارد. ۸- گویش گهواره‌ای قدیم. ۹- گویش کوره جوئی قدیم ۱۰- بیسوه نجی قدیم ۱۱- گویش قلاعی ۱۲- گویش کنوله‌ای (کندوله‌ای) ۱۳- گویش باجلان که در خاک عراق مقابل دشت ذهاب [ذهاب] ساکنند (تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان ص ۲۴-۲۲)

و بالاخره به نظر جوین بلو، زبان‌شناس فرانسوی، زبان کردی از سه گروه گویشی تشکیل شده است:

نمودار (۳)



نامبرده زبان‌های گورانی و زازاد در مبحث جدای از زبان کردی بررسی کرده است، زیرا معتقد است هر چند کسانی

دین و زبان دو عامل اساسی در تغییر هویت قومی و ملی می‌باشند، چنان که مردم کشوری که اکنون ترکیه نامیده

هر چند کردها دارای نام مشترک با عنوان «کرد» هستند و خود را کرد می‌نامند، با این حال از گروه‌های متعددی با هویت‌های قومی متفاوتی تشکیل شده‌اند

واژه کرد دارای دو معنی است؛ به طوری که از یک سو منظور قوم کرد است و از سوی دیگر این واژه در قرون اولیه اسلامی به قبایل کوچ‌نشین ایرانی (غیر غرب و غیر ترک) صرف‌نظر از وابستگی قومی آنها اطلاق شده است؛ اما چنان که اشاره کردیم چنین وضعی باعث شده که بعضی از نویسندگان تصور کنند که در آن زمان همه قبایل ایرانی کرد بوده‌اند

۴- کردباوری

کردها به‌عنوان شعبه‌ای از ایرانیان اصیل، به علت رویدادهای تاریخی چون هجوم اقوام غیرایرانی (مانند اعراب و ترک‌ها) به قلمرو آنها و یا مهاجرت به خارج از قلمرو خود، به صورت اقلیت‌هایی در بین جوامع غیرایرانی قرار گرفته‌اند. در این میان تنها کردهای ایران از این جهت مستثنا هستند، زیرا هنوز کسی به قلمرو آنها تجاوز نکرده است. شکی نیست که وضعیت کردها در بین جوامع غیر ایرانی چون عراق، ترکیه، سوریه، لبنان و... در طول بیش از یک قرن باعث شکل‌گیری جنبش‌های مختلف‌راهی بخش در بین آنها شده و در نتیجه قوم‌گرایی و قوم‌مداری در بین آنها شدت یافته است، از این رو، این تحولات در تقویت هویت کردی و کردباوری تأثیر بخشیده است. منظور از کردباوری آن است که کردها با وجود تفاوت‌های زبانی، دینی، فرهنگی و... خود را کردها می‌دانند.

شدت‌تأثیر فرهنگ اقوام غیر کرد

می‌شود، تا پیش از هجوم مسلمانان و ترکان عثمانی، پیرو دین مسیح و زبان آنها یونانی بود. اما تسلط ترکان عثمانی باعث تغییر دین و زبان ساکنان آن دیار شد که در نتیجه هویت فردی، قومی و ملی آنها تغییر کرد، به طوری که اکنون خود را ترک می‌پندارند. چنین وضعی برای مصر، تونس، مراکش، لیبی و دیگر اقوامی که اکنون خود را عرب می‌دانند پس از فتح سرزمین‌های آنها به وسیله اعراب مسلمان پیش آمده است. چنان که پیش از اسلام مردم لیبی، تونس و مراکش، عرب نبودند.

اما کردها از لحاظ دین هم یکدست نیستند. بیشتر کردها مسلمان و بیشتر آنها اهل سنت و جماعت هستند. به‌طور کلی کردهای مسلمان به دو گروه سنی و شیعه تقسیم می‌شوند که اهل سنت و جماعت به نوبه خود بیشتر شافعی و حنفی مذهب‌اند. دیگر کردان وابسته به فرقه‌ها و مذاهب مختلف به شرح زیر می‌باشند: (۴)

نمودار (۴)



با در نظر گرفتن این واقعیت که کردها در بین جوامع مختلف چون اعراب، ترک‌ها، ارمنی‌ها و اخیراً اروپایی‌ها (بویژه آلمان‌ها) زندگی می‌کنند، می‌توان دریافت که فرهنگ آنها به شیوه‌ای کم و بیش تحت تأثیر جوامع غیر کردی قرار گرفته است، به طوری که باید تفاوت‌هایی بین کردهای ترکیه و کردهای عراق یا ارمنستان وجود داشته باشد. اگر چنین مطلبی واقعیت داشته باشد، در آن صورت می‌توان گفت نفوذ فرهنگ‌های غیر کرد از عوامل تنوع

چنان که مشاهده می‌شود تنوع دینی در بین کردها در مقایسه با اقوامی چون لرها، بلوچ‌ها و... چشمگیر است که چنین وضعی مایه تنوع هویت قومی در بین کردها شده است. آیا کسی می‌تواند ادعا کند که بین یک کرد سنی بایک کرد یزیدی از لحاظ باورهای دینی، فرهنگی، لباس و آداب و رسوم، تفاوت اندک است؟ باورها و اعتقادات دینی باعث شکل‌گیری گروه‌های مختلف با هویت‌های متفاوت در بین کردها شده و به تنوع قومی در بین آنها انجامیده است.



باید به تکرر فرهنگی و
زبانی خود به مثابه یک
ثروت ملی بنگریم و به
تقویت و گسترش زبان‌ها و
سنن محلی از جمله فولکلور
بپردازیم. ترس بیهوده
از فرهنگ‌های محلی که
خود ناشی از ناسیونالیسم
افراطی است نباید جایی در
ایران داشته باشد

اگر زمینه‌های قوی
همگرایی ملی را میان اقوام
متکثر به جای این که خطر
تلقی کنیم سرمایه ملی خود
بدانیم خواهیم توانست
آینده‌ای همراه با گوناگونی
قومی و وحدت ملی و
سیاسی بهتری را برای خود
رقم بزینم

مغلوب و یسا اقوامی که در اقلیت هستند از حقوق کمتری برخوردارند. با توجه به چنین واقعیتی می‌توان گفت کردها به علت پراکندگی در چند کشور به صورت اقلیت قومی در آمده‌اند که در نتیجه در موارد زیادی نتوانسته‌اند از حقوق شهروندی همانند دیگر اعضای جامعه بهره‌مند شوند، برای نمونه در ترکیه حتی هویت قومی کردها نادیده گرفته می‌شود، به طوری که آنها را «ترک‌های کوهی» می‌نامند. نابرابری‌های ناشی از تفاوت‌های قومی، باعث جنبش‌های سیاسی-منظمی در بین کردها در این کشورها شده است که هر روز در اخبار منعکس می‌شود. اکنون بعضی از گروه‌های کرد حتی ساز جدایی طلبی را

می‌نوازند که البته کار آسانی نخواهد بود.

اما به نظر می‌رسد در مسورد کردهای ایران که قسمت بزرگی از خاک ایران را در اختیار دارند و برخلاف این شعار که کردها بدون سرزمین هستند، در ایران مالکیت آنها محفوظ مانده است، راه حل مناسبی برای تنش زدایی وجود دارد. البته بیشتر کردهای ایران بویژه کردهای خراسان و کردهای استان کرمانشاه و ایلام مشکلی احساس نمی‌کنند و با جامعه ایران هماهنگ هستند. به هر روی در شرایط کنونی بهترین چاره این است که قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتری به استان‌ها، صرف نظر از قومیت‌ها داده شود، برای نمونه اجازه داده شود، استاندارها مانند شهرداری‌ها در استان انتخاب شوند و بودجه مملکت هم با توجه به جمعیت و دیگر عوامل به هر استان اختصاص داده شود. از این طریق از نابرابری‌های

قومی در بین کردها است. اما این یک طرف سکه است، و طرف دیگر آن تأثیر تمدن غرب و نوسازی است که به تدریج تفاوت‌های قومی بین کردان را از جهاتی کاهش می‌دهد. چنان که برای نمونه استفاده از وسایل نوین، آموزش نوین و اقتباس از دیگر عناصر تمدن غرب، به تدریج باعث تشابهات نه تنها در بین کردها، بلکه در بین اقوام دیگر شده است، اما چون زبان و دین دو عامل اصلی در تنوع قومی بین کردها به شمار می‌آیند و از آنجایی که این دو عامل به سادگی تغییر نمی‌کنند، می‌توان دریافت که تنوع قومی در بین کردها ادامه خواهد یافت.

عده لباس

پوشاک مردانه و زنانه نمودی از تنوع قومی در بین کردها به شمار می‌آید. بررسی تصاویری که در طول یک قرن گذشته از گروه‌های مختلف کرد گرفته شده است نشان دهنده تفاوت پوشاک سنتی در بین آنهاست، برای نمونه پوشاک سنتی کردهای کردستان با پوشاک کردهای کرمانشاه از جمله گوران‌ها، سنجایی‌ها، کلهرها و... کاملاً متفاوت است.

قومیت و حقوق شهروندی

بدون تردید قومیت در طول تاریخ یکی از عوامل مهم در تعیین حقوق شهروندی بوده است. در جوامع سنتی، حقوق شهروندان متأثر از جایگاه قومی آنها در جامعه بوده و می‌باشد، چنان که قوم غالب، حقوق و مزایای خاصی برای اعضای خود تعیین می‌کند و در مقابل، اقوام

۶- صدافت کیش، جمشید (۱۳۸۱) کردان پارس و کرمان. ارومیه: انتشارات صلاح‌الدین ایوبی.

۷- شنیسی، سعید (۱۳۳۶) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد ۲، تهران، انتشارات بنیاد.

۸- عیبرگربیده: کارنامه اردشیر بابکان (۱۳۸۵)، ترجمه قاسم هاشمی نژاد، تهران، نشر مرکز. در سنگ‌نبشته حاجی آباد بر خلاف نقل قول دکتر صدافت کیش از کردان کرمانجی نام برده نشده. ر.ک: اکبرزاده، داریوش (۱۳۸۱)، کتیبه‌های پهلوی، تهران، انتشارات پارینه.

۹- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان و نیز به منابع دیگر چون: مسعودی (التنبیه والاشراف) ابن حوقل (صورة الارض)، استخری (المسالک و ممالک) مراجعه شود.

۱۰- دکتر صدافت کیش از نژاد کرد یاد کرده است و حال آن که قوم کرد درست است.

۱۱- امام‌اللهی بهاروند (۱۳۷۰)، قوم لر: پژوهشی درباره پیوستگی قومی لرها و پراکنندگی جغرافیایی آنها در ایران، تهران، انتشارات آگاه.

۱۲- بنگرید: جویس بلو (۱۳۸۳)، ه کردی، گورانی و زازا راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد ۲، زبان‌های ایرانی نو، ویراستار رودریگر اشمیت، ترجمه آرمان بختیاری و دیگران، تهران، انتشارات ققنوس.

۱۳- یاسمی، رشید (بی‌تا) کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او، ص ۱۳۹، تهران، انتشارات ابن سینا.

۱۴- درک کینان (۱۳۷۲)، کردها و کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات نگاه.

۱۵- یزدی، TheKurds.

۱۶- صفی‌زاده بورک‌ای، نامق (۱۳۷۸) آموزش زبان کردی، تهران، پژوهنده.

۱۷- دکتر طیبی، حشمت‌الله (۱۳۶۶) پنج مقاله ضمیمه تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان، به قلم میرزا شکرالله سنندجی (فخرالکتاب)، تهران، امیرکبیر.

۱۸- جویس بلو، همان.

۱۹- این جدول بر اساس مقاله دکتر حشمت‌الله طیبی تنظیم شده که ضمیمه تحفه ناصری است. (ر.ک: شماره ۱۵)

۲۰- دیگر منابع:

۱- سارتن و ان برونین سن (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ، دولت): ساختار اجتماعی و سیاسی کردستان، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، پانیز.

۲- هوشمند، احسان، (۱۳۸۲)، ه کردستان: گذشته، حال و چالش‌های پیش‌رو و ویژه‌نامه چشم‌انداز ایران، کردستان همیشه قابل کشف (۱).

۳- سیسیل، ادوموندز، جی (۱۳۶۷)، کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات روزبهان.

۴- در اینترنت بیش از ۸ میلیون مورد در سایت گوگل درباره کردها وجود دارد و نیز مراجعه کنید به: Wikipedia که به صورت دایره‌المعارف آزاد در اینترنت وجود دارد.

منطقه‌ای و قومی کاسته خواهد شد و موجب مشارکت بیشتر مردم در امور می‌شود. البته اگر لازم شود در این زمینه گفتنی‌ها زیاد است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله وضعیت قومی در بین کردها بدون هرگونه جهت‌گیری بررسی شده و نشان داده شده که با توجه به عوامل مختلف چون دین، زبان و غیره، تنوع قومی در بین کردها چشمگیر است. به دیگر سخن هر چند کردها دارای نام مشترک با عنوان «کرده» هستند و خود را کرد می‌نامند، با این حال از گروه‌های متعددی با هویت‌های قومی متفاوتی تشکیل شده‌اند، چنان‌که یک سنی متعصب، پیروان فرقه اهل حق را جدای از خود می‌دانند و یا کردهای یزیدی اعتقادات و فرهنگ خاص خود را که با مسلمانان سنی و شیعه متفاوت است، دارند.

در این مقاله به بعضی از مطالب و نتیجه‌گیری‌های نادرست درباره هویت کردی و ارتباط آن با اقوام دیگر بویژه لرها اشاره شده است. در اینجا مجدداً یادآوری می‌شود که لرها کرد نیستند هر چند این دو گروه در بین اقوام ایرانی و جوه مشترک دارند.

و نیز به این مسئله اساسی پرداخته شده که واژه کرد دارای دو معنی است؛ به طوری که از یک سو منظور قوم کرد است و از سوی دیگر این واژه در قرون اولیه اسلامی به قبایل کوچ‌نشین ایرانی (غیر غرب و غیر ترک) صرف نظر از وابستگی قومی آنها اطلاق شده است؛ اما چنان‌که اشاره کردیم چنین وضعی باعث شده که بعضی از نویسندگان تصور کنند که در آن زمان همه قبایل ایرانی کردها بودند و سرانجام در پایان مقاله به اختصار از قومیت و حقوق شهروندی سخن به میان آمده است و پیشنهادی برای رفع نابرابری‌های قومی ارائه شده است.

پی‌نوشت‌ها:

1- Minorsky, V. (1928) "Kurds" In Encyclopedia of Islam. No 36 Leydon: Late. E. T. Brill. LTD.

۲- احسان هوشمند (۱۳۸۳)، کرد یا کردها؛ مدخلی جامعه‌شناختی بر کردشناسی، فصلنامه گفتگو، شماره ۴، ص ۳۹-۳۵.

3- Lambton, A.K.S (1971) "ILAT" In Encyclopedia of Islam. Vol. 3. PP10951110-. Leiden: E.T.Brill.

۴- بنگرید به: امیر شرف‌خان بدلیسی (۱۳۶۴- چاپ دوم) شرفنامه: تاریخ فصل کردستان با مقدمه و تعلیقات محمد عباسی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

- شیخ محمد مردوخ کردستانی (۱۳۷۹) تاریخ مردوخ، تهران، نشر کارنگ.

- محمد امین زکی بیک (۱۳۸۱) زبده تاریخ کرد و کردستان، ۲ جلد، ترجمه یدالله روشن اردلان، تهران، انتشارات توس.

Izady, Mehrdad. R. (۱۹۹۷) the Kurdz, A Concise

کردها به عنوان شعبه‌ای از ایرانیان اصیل، به علت رویدادهای تاریخی چون هجوم اقوام غیرایرانی (مانند اعراب و ترک‌ها) به قلمرو آنها و یا مهاجرت به خارج از قلمرو خود، به صورت اقلیت‌هایی در بین جوامع غیر ایرانی قرار گرفته‌اند. در این میان تنها کردهای ایران از این جهت مستثنا هستند، زیرا هنوز کسی به قلمرو آنها تجاوز نکرده است